

الحمد لله بعنايت مالک قدر يوم قبل جناب ملا علی اکبر عليه بهاء الله بنفحات آیات الهیہ ...

حضرت بهاء الله

نسخه اصل فارسی



از الواح حضرت بهاء الله - بر اساس نسخه موجود در "کتابخانه آثار بهائی" در مرکز جهانی بهائی
- شماره ۵۶

جناب ناظر

هو الله تعالى شأنه العظمة والكبرياء

الحمد لله بعنايت مالک قدر يوم قبل جناب ملا علی اکبر عليه بهاء الله بنفحات آیات الهیہ متوجه آن صوب گشتند و حال جناب ابابديع عليه بهاء الله عازمند لذا مجدداً این خادم فانی باین عريضه مصدّعت هنوز مسافرين قبل زرفته اند جناب ملا محمد علی مع نفوس معدوده وارد از حقّ ميطلبيم که قاصدان و مهاجران را تأييد فرمايد بر آنچه اليوم سبب ارتفاع کلمه الله است و در هر مدينه و ديار که وارد ميشوند سبب تذکّر نفوس و الفت و اتحاد قلوب شوند و فی الحقيقه ناس از ایشان عرف اخلاق الله را بيابند بايد هر یک نفحه حيوه باشند از برای اجساد ناس و رشحات بحر محبت الهی باشند از برای اهل بلاد و البته امثال این نفوس قليل بوده و هستند چنانچه از قبل فرموده اند مثل اکسیر احمرند و اکسیر احمر کميابست و روايت قبل که ميفرمايد و المخلصون فی خطر عظيم شاهد این مقالست و لکن نظر بآنکه عنايت امروز را مثل و مانند نبوده و نيست این عبد اميدوار است که جميع احبّا و دوستان حقّ به ما هو المقصود فائز شوند و به غير ما اراد الله عامل نشوند و تکلمّ ننمايند کل بنار ذکرش مشتعل باشند و بافق امرش ناظر اگرچه این عبد مع جناب ملا علی اکبر عليه بهاء الله مکتوب مفصلّ معروض داشت و لکن چون هر نفسی عازم ميشود اشتياق قلبي بر آن ميدارد که مرّه بعد مرّه و کرّه بعد کرّه مزاحم شوم عرايضي که با جناب ملا محمد علی بود رسيد انشاء الله جواب بهمهراهی خود او ارسال ميشود

يومی از ايام فرمودند جناب ناظر عليه بهاء الله بايد از عهده خرايهای رفيق همراه برآيند چه که سنين معدودات لدی العرش بود و ابدأ او را لأجل تبليغ امر الله بشطري نفرستاديم شما سبب شديد و او را مخصوص تعمير و آبادانی برديد و از قرار معلوم خرابی و ويرانی دست داد بسيار عجبت که بعضی از نفوس مع نصايح الهیہ و مواعظ ربّانيه و شفقت و عنايت مشرقه لائحہ قسمی رفتار نمايند که سبب حزن قلوب مقبله گردد و يا علتّ اتحاد نفوس مشتعله شود و لکن بايد احبّاي



ORIGINAL

الهی ناظر بافق امر و ما يظهر من عنده باشند لا بما يظهر من غیره چه که عصمت طرازیست مخصوص حق و از برای سایرین سهو و خطا و نسیان بوده باید دوستان از یکدیگر اغماض نمایند و ناظر بعفو حق باشند و در باره یکدیگر دعا کنند انّهُ لهُ الْغُفُورُ الْكَرِيمُ جمیع دوستان و آقایان آن اطراف را از قبل این فانی تکبیر برسانید انشاء الله کل بنار محبت الهی مشتعل باشند و بقمیص استقامت مزین و بانوار وجه رحمن منور دستخط جناب حبیب روحانی ملا مصطفی که در جواب مکتوب این فانی مرقوم داشتند رسید و سبب فرح و انبساط گشت نسأل الله بأن یوفق حضرته علی القيام لخدمته و نصره امره و ذکره بین خلقه و یجعلهُ مِنَ الذّٰیْنَ قَالُوا اللّٰهُ رَبُّنَا ثُمَّ اسْتَقامُوا انّهُ لهُ الْمُقْتَدِرُ الْقَدِيرُ

و همان دستخط تلقاء وجه عرض شد اظهار عنایت فرمودند هنیئاً له ثمّ مرئياً له بعد از اتمام عریضه محبت قلبیه این عبد را بر آن داشت که مجدداً خاطر عاطر آن حضرت را بکلماتی که فی الحقیقه مرآت حاکیه وجود این فانیست مشغول نماید و جواب مراسلات جناب ملا محمد علی در این کَره عرض شود چه که گفته اند فی التأخیر آفات لذا عرض میشود دستخطهای متعدده جناب ع ب (ن) علیه بهاء الله باین عبد فانی رسید الحمد لله خلیل آسا اصنام اوهام را شکستند و بافق یقین توجه نمودند هنیئاً لخدمته بما فاز بر حیق المعانی و البیان فی ایام الرحمن و رأى اشعة انوار فجر الظهور و اقبل الیه اسأل الله بأن یوفقهُ فی کلّ الأحوال و یقدّر له ما تقرّب به اعین العارفین انّهُ لهُ الْمُقْتَدِرُ الْقَدِيرُ مکاتیب ایشان بتمامه در ساحت اقدس عرض شد و لکن بعد از فقره کَره مادیان قد تبسم محبوب العالم قال و قوله الحق انّهُ قد نطق بالصدق و بعد از عشر دقائق قد توجه وجه المقصود الی الخادم و قال ینبغی ان یرجع الی صاحبه فرمودند باید بصاحبش رد شود انتهی بشارت بایشان بدهید که مکتوبشان سبب تبسم جمال قدم شد طوبی له ثمّ طوبی له و دستخطهای متعدده آن حضرت که از اول ورود در آن ارض الی آخر مرقوم فرمودید این خادم بتمام آن فائز الحمد لله که در جمیع احوال بذکر و ثنای حق مشغولید

در باره نفوسی که در این ایام بساحت اقدس توجه نموده اند الواح منیعه از سماء عزّ احدیه نازل و ارسال شد برسانید و لکن در کلّ احوال حسب الأمر آنکه بحکمت ناظر باشید چه که نظر بفضل الهی و ما نزل فی اول هذا الظهور ذکر هر نفسی تلقاء وجه شده و یا بشود از سماء مشیت لوح نازل انّهُ لهُ الْفَضْلُ الْمُقْتَدِرُ الْقَدِيرُ این خادم فانی عرض مینماید که اگر بعضی از دوستان بر حسب ظاهر بلوح فائز نشده اند از این فقره محزون نباشند چه که جمیع عالم خلق شده از برای آنکه ذکرشان در ساحت اقدس بشود چنانچه نقطه بیان روح ما سواه فداه میفرماید که کل از برای آنست که یک مرتبه در ساحت او ذکر شود و حال الحمد لله از فضل نامتناهی الهی جمیع احبّا در ساحتش مذکورند و اگر بثمره همین فقره مطلع شوند کل را جذب سرور و ابتهاج بشانی اخذ نمایند که از من فی الملک بگذرند و بصد هزار لسان حق منیع را شکر نمایند هر عملی در این یوم عظیمست چه که این یومیست که خبر داده حق از آن بقوله تعالی من قبل الملک یومئذ لله و کذلک فی مقام آخر لمن الملک الیوم لله الواحد القهار چه که الیوم یوم ظهور الله است و یومی است که فیه دکت الأرض دگاً دگاً و جاء ربک و الملک صفّاً صفّاً و این یومیست که میفرماید لیوم الفصل و ما ادراک ما یوم الفصل ویل یومئذ للمکذّبین و در ده مقام قلم اعلی مکرراً میفرماید ویل یومئذ للمکذّبین

خدمت جناب محبوب اعنی ملا مصطفی علیه بهاء الله از قول این عبد ذکر نمائید که مع عظمت این یوم و مع آنکه در جمیع کتب الهیه از قبل قبل الی ان ینتهی الی الفرقان ذکر این یوم امنع اقدس اعظم تصریحاً من غیر تأویل بوده مع ذلک احدی ملتفت نشده اهل فرقان که فی الحقیقه از ثدی جهل مرزوقند ببلوغ نرسیده اند که سهل است ای کاش در این

طفولیت بلبن انصاف موفق میشدند و لکن عجب از اهل بیانت که آن نفوس مع ادعای عرفان و ایقان از کلمه اتنی انا الله اعراض نموده و در اسفل نیران مقرر گزیده اند نمیدانم قول حق را که میفرماید یوم یقوم الناس لرب العالمین چه تفسیر نموده اند و بعد میفرماید ویل یومئذ للمکذبین الذین یکذبون بیوم الدین و ما یکذب به الا کل معتد اثم و همچنین میفرماید در خطبه معروفه فتوقعوا ظهور مکلم موسی من الشجرة علی الطور و اگر بیانات کتب قبل ذکر شود این نامه نگاری حجیم گردد باری شهادت میدهد این خادم فانی که احدی رایحه رضوان معانی را که در فرقان بامر رحمن مستور گشته نیافته الا الذین انقطعوا الیوم عما سوی الله و اجابوا کل ما سمعوا من السدرة التي احاطت العالمین انشاء الله باید ایشان و آن جناب و سایر دوستان بهمت تمام بتربیت نابالغین بحکمت و بیان مشغول باشند در این حین خود این عبد متحیر است که چه ذکر مینمود و بکجا منتهی شد مع آنکه در این عریضه ذکر این گونه اذکار مقصود نبود و لکن شمس کلمه عرفت الله بفسخ العزائم این گونه اشراق نمود الأمر بید الله یفعل ما یشاء و یحکم ما یرید

و عرض دیگر آنکه عریضه جناب آقا میرزا عبدالله علیه بهاء الله و ضلع و ابن ایشان بساحت اقدس فائز و مخصوص هر یک از سماء مشیت لوح امنع نازل و ارسال شد و در لوح ضلع از قلم اعلی ذکر ذریه طیبه شده انشاء الله بآن فائز هستند و خواهند شد و همچنین باین عبد هم مرقوم فرموده اند از حق سائل و آملم که ایشان را موفق فرماید بر اموری که سبب ذکر ایشان در عوالم لایتناهیة الهیه گردد

و اینکه در باره حاجی میرزا شفیع و ابن او مرقوم فرمودید آنچه عمل شد مقبولست و لکن لا یزید الظالمین الا خساراً و از آنجائی که الیوم رحمت کل را احاطه کرده و یوم تبدل الأرض غیر الأرض است شاید اراضی نفوس غافله از امطار رحمت ربانیه بسنبلات حکمت و عرفان فائز شوند

و در فقره لوح حضرت غصن الله الأعظم روحی لتراب قدومه الأعزّ فدا مرقوم داشتید که محبوبست فارسی شود بعد از آن لوح مخصوص رسالهئی مرقوم فرمودند بلسان پارسی از برای اهل ایران که هنوز بکوثر عرفان فائز نشده اند بسیار نافعست و مقصودشان از آن رساله آنکه ناس را از متابعت جهلا منع نمایند و بچشم و گوش خود در امور ملاحظه کنند و فی الحقیقه اگر درست ملاحظه شود از برای کل بشر آن رساله مبارکه نافع بوده و هست مع آنکه ظاهراً از امور بدیعه مشرقه لامعه در آن ذکر نشده و لکن هر ذی شمی از باطن آن عرف ایام الهی را استنشاق نماید و هر ذی بصری انوار شمس معنوی را ملاحظه کند و آن رساله نزد مهاجرین موجود است انشاء الله بنظر آن جناب میرسد و مقصود آن بود که یک نسخه آن اول خدمت آن جناب ارسال شود و لکن از کثرت اشغال و عدم حضور کتاب تعویق افتاد

و اینکه مرقوم داشتید که یتیی اتباع شده انشاء الله مبارکست نسأل الله ان یرفع فیه ذکره بالحق انه ولی الذاکرین بسیار محبوبست در هر ارضی محلی معین شود تا سبب آسایش و اردین گردد انشاء الله همیشه اوقات قلم آن محبوب روحانی دوستان و مخلصان را یاد نماید البهاء علیک و علی الذین فی هناک من لدی الله مولانا و مولاک